

11.03.2008

هوشنگ امیراحمدی :حکومت ایران تحت فشار است



اظهار تمایل رهبران جمهوری اسلامی به ادامه مذاکرات هسته‌ای با اتحادیه اروپا این ارزیابی را در محافل دیپلماتیک بوجود آورده که فشار تحریم‌ها بالاخره ایران را وادار به تغییر در روش‌هایش کرده است. آیا این ارزیابی دقیقی است و آیا ایران با عبور از بن بست اتمی قادر به "عادی‌سازی" مناسباتش با غرب و پیش از همه با امریکا خواهد شد؟

اظهار تمایل رهبران جمهوری اسلامی به ادامه مذاکرات هسته‌ای با اتحادیه اروپا این ارزیابی را در محافل دیپلماتیک بوجود آورده که فشار تحریم‌ها بالاخره ایران را وادار به تغییر در روش‌هایش کرده است. آیا این ارزیابی دقیقی است و آیا ایران با عبور از بن بست اتمی قادر به "عادی‌سازی" مناسباتش با غرب و پیش از همه با امریکا خواهد شد؟

گفتگویی با دکتر هوشنگ امیراحمدی، استاد دانشگاه راتگرز ایالت نیوجرسی آمریکا

دوچپه‌وله :تحلیلگران معتقدند که تصویب قطعنامه‌ی سوم شرایط بسیار دشواری را برای دولت آقای احمدی‌نژاد، علی‌رغم همه‌ی درآمدهای کلان نفتی که دارد، ایجاد می‌کند. آیا به این علت است که ایران به ادامه‌ی مذاکرات با اتحادیه اروپا تمایل نشان داده؟

هوشنگ امیراحمدی: احتمالاً نه، ولی در مجموع دولت تحت فشار است و این فشار نه فقط اقتصادی، که فشار روانی‌ست، یک فشار سیاسی‌ست. یعنی در داخل کشور یک نگرانی شدید وجود دارد، برای اینکه اگر قرار بود این قطعنامه، آخری باشد و همین‌جا متوقف بشود، شاید باز هم فشاری را دولت احساس نمی‌کرد. ولی این که این قطعنامه آخری نیست و آینده‌اش کاملاً نامشخص است، از آن دیدگاه است که دولت آمادگی بیشتری دارد نشان می‌دهد تا جریان غنی‌سازی را با اروپا به جایی برساند، اگر بتواند.

دوچپه‌وله :در صورتی که این مذاکره ادامه پیدا بکنند، ایران چه شرطی را می‌خواهد بپذیرد، یا از چه چیزی می‌خواهد دست بردارد؟

هوشنگ امیراحمدی: ایران همیشه حرفش این بوده که شما این پیش شرط را نگذارید و من غنی‌سازی را حاضرم بیاورم. سر میز مذاکره و بعنوان یکی از مواد مذاکره روی آن کار کنیم. اگر ایران بتواند اروپا را قانع کند که پیش شرط را بردارد، دستاورد بزرگی برایشان خواهد بود. احتمال اینکه اروپا این پیش شرط را بپذیرد، در آینده‌ی نزدیک هست.

دوچپه‌وله: آمریکا چه طور؟ آیا ایران می‌تواند با اروپا وارد مناسباتی بشود، بدون اینکه آمریکا در این وسط نقشی داشته باشد؟

هوشنگ امیراحمدی: دقیقا می‌خواستم همین را بگویم. مشکل ایران اروپا نبوده و نیست، مشکلش آمریکا است. متأسفانه هنوز هم دولت جمهوری اسلامی نمی‌خواهد بپذیرد که باید با آمریکا وارد مذاکره بشود. یعنی مشکلات که دوطرفه است. آمریکا هم متأسفانه تا الان نپذیرفته که با ایران وارد مذاکره بر سر غنی‌سازی بشود.

دوچپه‌وله: آقای دکتر امیراحمدی، شما اخیرا که در ایران بودید، در مصاحبه‌ای گفتید که ایران آمادگی گفت‌وگو با آمریکا را دارد. براساس چه داده‌هایی این تحلیل را دارید که دولت فعلی ایران تمایل یا پتانسیل ایجاد مذاکرات با آمریکا را دارد؟

هوشنگ امیراحمدی: من این را در طی مدت بیست و چند روزی که در تهران بودم، از دولت یا از مردم و از منابع مختلف این را شنیدم، درک کردم و فهمیدم. یکسری شواهد مشخص هم وجود دارد. یعنی مثلاً آقای خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی برای اولین بار در دوماه گذشته گفت در یزد که دیگر رابطه با آمریکا، نه مذاکره، رابطه با آمریکا مشکلی نیست، مشکل زمانش است. بنابراین یک تغییر اساسی در تفکر جمهوری اسلامی بعنوان یک نظام بوجود آمده است در رابطه با آمریکا و آن این است که اصل داشتن رابطه با آمریکا قبول است. فکر می‌کنم باید منتظر آن شرایط بود. الان هم جمهوری اسلامی دارد روی آن شرایط کار می‌کند. دولت آقای احمدی‌نژاد به نظر من خیلی علاقمند است با آمریکا مسایلش را حل بکند. متأسفانه در این مقطع مشخص آمریکا به نظر نمی‌رسد تمایل زیادی داشته باشد با ایران در یک چارچوب وسیعی وارد میدان بشود.

دوچپه‌وله: آیا اظهار آمادگی که خانم رایس برای وارد شدن به مذاکرات با ایران کرده، البته در صورتی که ایران غنی‌سازی را بپذیرد، واقعا از این تمایل برمی‌خیزد؟

هوشنگ امیراحمدی: بله از این تمایل برمی‌خیزد. آمریکا با ایران در دو مسیر دارد می‌رود. یک مسیر چندجانبه است که در شورای امنیت است و در آن مسیر آمریکا اصرار زیادی دارد که هرچه بیشتر ایران را در تنگنا قرار بدهد، روی ایران فشار بیاورد. در واقع آمریکا در مسیر چندجانبه آمریکا دارد مشکل ایران را نه فقط با خودش، که با رقبای خودش عمده می‌کند. اما در مسیر دوجانبه، آمریکا آماده بود یکسری گشایش‌هایی را با ایران داشته باشد. مثلاً مذاکراتی در عراق بکند که همین حرفه‌ای‌ست که خانم رایس می‌زند، یا آن گزارش سازمانهای جاسوسی آمریکا و... و... تمام این در واقع حرکت‌هایی که به یک شکلی مثبت است در رابطه‌ی ایران و آمریکا در چارچوب دوجانبه دارد اتفاق می‌افتد. یعنی آمریکا یک استراتژی دولتی دارد در رابطه با جمهوری اسلامی ایران پیش می‌برد، در مسیر چندجانبه برایش مشکل ایجاد می‌کند، در مسیر دوجانبه دارد با آن یواش یواش وارد یک میدان جدید گفت‌وگو می‌شود. و خانم رایس دقیقا حرفش در چارچوب دوجانبه است، یعنی ایشان حاضر نخواهد بود در مسیر چندجانبه هیچ امتیازی به ایران بدهد و یا گشایشی برایش بوجود بیاورد. ولی در دوجانبه این کار را خواهد کرد. به همین دلیل هم خانم رایس می‌گوید، اگر پیش شرط متوقف کردن غنی‌سازی را بپذیرد، که بحث چندجانبه است، آنوقت در دوجانبه من می‌توانم با او کارهایی را انجام بدهم.

دوچپه‌وله: سوال آخرم از شما این است که، فکر می‌کنید انتخابات ایران چه تاثیری بر سیاست داخلی و تعامل جامعه جهانی با ایران خواهد داشت، با در نظر گرفتن این که این انتخابات مورد انتقاد شدید قرار گرفته است که آزاد نیست؟

هوشنگ امیراحمدی: من اعتقاد دارم که آینده‌ی ایران را نه این انتخابات و نه انتخابات بعدی تعیین می‌کند. برای ایران باید یک آینده‌ی درازمدتی را تصور کرد. در این انتخابات به نظر من جناح اصولگرا باز هم بر مجلس حاکم خواهند بود و چیزی

حدود ۳۰ درصد، نمی‌دانم کمتر یا زیادت، در همین حدود نیروهای غیراصولگرا را در خود خواهد داشت مجلس. اما در مجموع مجلسی متفاوت از مجلس امروز نخواهد بود، اگرچه ممکن است رهبری مجلس تا حدودی عوض بشود. ایران جامعه‌ای است که دارد می‌رود جلو. من در این بیست و چند روزی که در تهران بودم، واقعا یک جامعه‌ی بسیار فعال دیدم. جامعه‌ای دیدم که جوانهایش به سرعت دارند رشد می‌کنند، آگاه و تحصیل‌کرده‌اند، خواسته‌هایشان بسیار بالاست، انتظاراتشان بسیار وسیع است و دنبال به دست آوردن این خواسته‌ها و انتظارات هستند. یعنی در واقع جامعه‌ای که می‌خواهد به جایی برود که در این مقطع مشخص قدرتش را ندارد. و این بسیار مشکل ایجاد خواهد کرد. یعنی از یکطرف یک زیربنای اجتماعی، اقتصادی است که دارد به سرعت پیش می‌رود، پویاست، دارد رشد می‌کند هم فیزیکی و هم اقتصادی و هم اجتماعی. ولی از آنطرف هم یک روبنای سیاسی است که به اندازه‌ی این زیربنا پویایی ندارد متأسفانه و این باعث می‌شود که بین این دو شکاف عمیقی در آینده بوجود بیاید.

دوچپ‌هوله: یعنی به نظر شما این شکاف هنوز در ایران ایجاد نشده است؟

هوشنگ امیراحمدی: جمهوری اسلامی یک سیستمی بوده است که تا الان یکسری انعطاف‌پذیری‌هایی داشته است. یعنی حکومت هر از چندگاهی سفت و سخت شده است برایش. یعنی یک دفعه جناح راست آمد، جناح معتدل آمده، جناح اصلاح‌طلب آمده و دوباره برگشته و یکی دیگر آمده است. بنابراین درست است که نیروهای زیربنایی رشدشان خیلی سریع‌تر بوده و این شکاف هرچه بیشتر شده، اما این شکاف آنقدر عمیق نبوده است، بخاطر همین رفت و برگشت‌های روبنایی. اما این زیربنا دارد سرعت رشد می‌کند و دارد به جایی می‌رسد که دیگر آن بازیهای گذشته‌ی روبنا برایش کافی نیست و نیاز به فضای خیلی وسیع‌تر از آن دارد که این روبنا در گذشته برایش وجود می‌آورد. به همین دلیل هم این روبنای سیاسی اگر نخواهد یا نتواند جواب بدهد به این خواست بسیار وسیع زیربنا، دچار مشکل می‌شود. این خواست هم گاه‌ها واقعا خواست، چطور بگویم، یعنی خارج از انتظار است. یعنی یک انقلاب افزایش انتظار من در ایران می‌بینم. این انتظارات در یک دوره‌ی سی ساله مدام انباشت شده است. این انباشت می‌تواند به یک جایی برساند جامعه‌ی سیاسی را که باید یک فکر اساسی برای حرکت بعدی خودش بکند.

مصاحبه‌گر: مریم انصاری